



بررسی سیاست خارجی هاشمی رفسنجانی در قبال جریانهای اسلامی فلسطین

محمد رضا عنایت مهری

کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ایران

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از رخدادهای مهم نیمه دوم قرن بیستم نه تنها تغییرات بنیادینی را در جغرافیای سیاسی ایران بوجود آورد، بلکه دامنه های آن بسی فراتر از یک کشور رفته است. بررسی تاثیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که خود برگرفته از آموزه ها و گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می آید ما را در جهت فهم بیشتر و بهتر تاثیرات انقلاب اسلامی ایران رهنمود می سازد. یکی از این تاثیرات، بررسی تاثیر رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در شکل دهی و هدایت مقاومت اسلامی فلسطین است. بدون شک مساله فلسطین یکی از موضوعات بسیار مهم و نهادینه شده، در مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید، که بخش قابل توجهی از ظرفیتهای نظام جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داده است. بررسی ها نشان می دهد که گفتمان مشترک جمهوری اسلامی ایران و جنبش جهاد اسلامی بر اساس محورهای «اسلام گرایی»، «صهیونیسم ستیزی» و «مقاومت» از جمله دلایل اصلی این روابط و حمایت های ایران از این جنبش است. آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز به عنوان یکی از روسای جمهور پیشین در حمایت از مقاومت فلسطین نقش پررنگی داشتند. ایشان در تمامی دوران نسبت به موضوع فلسطین حساسیت ویژه ای داشت و همواره در اندیشه احیای حقوق این ملت بود. این پژوهش برای پاسخ به این سؤال انجام شده که سیاست خارجی هاشمی رفسنجانی در قبال جریانهای اسلامی فلسطین چه بود.

کلمات کلیدی: فلسطین، هاشمی رفسنجانی، جریان مقاومت

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که ریشه های آن به سال ۱۳۴۲ برمی گردد به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۵۷ به بار نشست، و دولتی اسلامی بنام جمهوری اسلامی ایران جای آنرا گرفت سیاست جمهوری اسلامی ایران در خارج هم تاثیرات بسیاری در دوره انقلاب و پس از آن بوجود آورد، که تاثیرات و بازتابهای بسیاری در منطقه و جهان داشته است از آنجایی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی همیشه مدافع حقوق حقه و گروههای مبارز اسلامی نیز بوده است، در نتیجه تاثیر و نفوذ گسترده ای در منطقه و جهان گذارده است که به صورت های گوناگون نمایان شده است مانند تشدید مقاومت گروههای مبارز افغانستان علیه نیروهای متجاوز شوروی، روحیه بخشیدن به گروههای مقاومت اسلامی مصر و اخوان المسلمین، تقویت یافتن گروههای اسلامی الجزایر و ترس کشورهای غربی از گسترش سیاستهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن به کشورهای دیگر، حمایت و تقویت گروههای جهادی لبنانی و فلسطین و جبهه گیری علنی ایران برای مبارزه با اشغالگری رژیم صهیونیستی - از جمله حمایت از گروه های مبارز لبنانی، امل و تشکیل گروه جهادی حزب الله تحت نفوذ حمایت ایران - و تقویت و تحکیم مواضع گروههای فلسطینی بخصوص جهاد اسلامی و حماس و همچنین حمایت از رژیم ضد نژاد بدست آفریقا جنوبی و مبارزه با استکبار جهانی را می تواند از سیاست های خارجی جمهوری اسلامی ایران نام برد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که با تکیه بر ایدئولوژی بسیار قوی اسلامی و انقلاب موضع خود را آغاز کرد، پیام آور این بود که اسلام نه تنها قادر به تشکیل حکومتی بنیادین و استوار است بلکه در سایه عدالت و حقانیت آن می تواند سرمشق و آغازی برای صدور آن نیز باشد. رسالت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که حق گرفتاری است و این شدنی است همانطور که در ایران روی داد، قادر به تشکیل آن در جای این جهان نیز می توان بود ماهیت ام القریای ایران اسلامی پس از استقرار پایه های حکومتی خود روی به سوی ماورای مرزهای جغرافیایی خود گروید، بطوریکه در چشم انداز جهانی پیام اصلی خود را به دورترین نقاط جهان رسانید. از جمله ارزشهای معنوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بخشیدن روحیه ایثار و از خود گذشتگی و شهادت طلبی است، که این باعث مبارزه اسلامی علیه سلطه گردید، و گروههای مبارز و نهضت های اسلامی تاثیر زیادی از آن پذیرفته اند که امروزه شهادت طلبی، رستگاری، یکی از شیوه های بسیار قوی و تاثیر گذار در مبارزات گروههای جهادی به شمار می رود.

بطوریکه بسیاری از صاحب نظران و حتی کشورهای اشغالگر و حامیان آنها به آن تکیه دارند و آنرا متأثر از نیروهای انقلاب اسلامی ایران می دانند.

مبانی نظری :

احزاب و گروه های فلسطینی با اتخاذ مشی سیاسی و نظامی تلاش می کنند حقوق مردم مظلوم فلسطین را از دشمنان پس بگیرند و این سرزمین اسلامی که متعلق به نه ملت فلسطین بلکه همه مسلمانان جهان است را آزاد کنند.

امروز شکست صهیونیست ها در فلسطین اشغالی به مسئله ای امکان پذیر و عملی تبدیل شده و عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان و نوار غزه این موضوع را ثابت می کند لیکن آنچه که باعث این پیروزی ها می شود اتحاد ملت فلسطین و وحدت گروه های مبارز فلسطینی است.

به عبارت دیگر امروز هر چند احزاب و گروه های فلسطینی با هدفی مشترک مبارزه می کند و آن هم شکست دشمن صهیونیستی است لیکن در صورت نداشتن وحدت و رسیدن به آشتی ملی نمی توانند در هدف مشترک خود موفق شوند.

به همین دلیل شناخت این احزاب و گروه ها و اینکه تا چه اندازه می توانند در رسیدن به هدف مشترک موفق باشند ضروری به نظر می رسد. آنچه پیش روی شماست بررسی مختصری از احزاب و گروه های فلسطینی از گذشته تا امروز است.

جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)

جنبش مقاومت اسلامی حماس در سال ۱۹۸۷ توسط شیخ احمد یاسین پایه گذاری شد. ایدئولوژی حماس ریشه در اخوان المسلمین مصر دارد. در سال ۱۹۷۳، یاسین ابتدا «الجماعه الاسلامی» را برای همکاری با فعالیت های سیاسی اخوان المسلمین در غزه پی ریزی کرد.



وی سپس جنبش حماس را به عنوان بازوی سیاسی و منطقه ای اخوان المسلمین در دسامبر ۱۹۸۷ به دنبال آغاز انتفاضه اول در سرزمین های اشغالی بنیان نهاد. عمده شهرت حماس بیشتر به دلیل انجام حملات شهادت طلبانه علیه اهداف و نیروهای اسرائیلی است. این جنبش ابتدا دنباله رو مدل اخوان المسلمین بود به این معنا که به عنوان یک «نهاد رفاه اجتماعی» عمل می کرد هر چند در حال حاضر، همچنان به فعالیت های رفاهی و اجتماعی خود ادامه می دهد، اما با وارد شدن به فاز مسلحانه بیشتر فعالیت خود را در حوزه مبارزه با اسرائیل متمرکز ساخته است.

حماس، ستیز اعراب- اسرائیل را به مثابه ستیز اسلام و یهودیت تلقی می کند که تنها با نابودی اسرائیل می توان این مسئله را حل و فصل کرد.

جنبش فتح

فتح با نام کامل جنبش آزادی بخش میهنی فلسطین یکی از مهمترین سازمان های سیاسی و نظامی فلسطینی است که در سال ۱۹۵۹ توسط «یاسر عرفات» و «خلیل الوزير» (ابوجهاد) با هدف آزادی فلسطین از سیطره رژیم اشغالگر اسرائیل از طریق مبارزات چریکی بنیان گذاری شد. فتح مهمترین و بزرگ ترین گروه در کنفدراسیون احزاب فلسطینی موسوم به سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) است و رویکردی ناسیونالیستی و تا حدی سوسیالیستی دارد. پس از مرگ عرفات در سال ۲۰۰۴ محمودعباس جانشین او در سمت رهبری این سازمان شد، عباس ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین را نیز به عهده گرفت.

با اینکه شمار زیادی از نمایندگان شرکت کننده در این کنگره عباس را مسئول شکست های این جنبش عنوان کردند اما به گفته آنان در شرایط کنونی فقط انتخاب دوباره عباس امکان پذیر است چرا که دیگر رهبران فعلی ممکن است جای خود را به نسل های جدیدتر واگذار کنند. عباس پس از اعلام انتخاب به ریاست فتح متعهد شد تا سرزمین های اشغالی فلسطین را آزاد کند و کشور فلسطین را تشکیل دهد ولی تاکنون گام های عملی و مؤثری برای ادعاهای خود برنداشته و همین مسئله علت اصلی مخالفت جنبش حماس با وی شده است.

حماس محمود عباس و کابینه او را غیرقانونی می داند و معتقد است کسانی که همدست رژیم صهیونیستی در اعمال جنایت علیه ملت فلسطین هستند. نمی توانند نماینده واقعی مردم فلسطین باشند، به همین دلیل عباس و نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان دائما در حال دستگیری و زندانی کردن حماس و طرفداران این جنبش هستند. تشکیلات خودگردان فلسطین به رهبری عباس تا آنجا پیش رفته که رژیم صهیونیستی وظیفه خود را در سرکوب اعضای حماس به این ساختار فلسطین سپرده است. آمریکا نیز در همدستی با رژیم صهیونیستی اعلام کرده که تا زمانی که تشکیلات خودگردان و محمود عباس کنترل کرانه باختری را برعهده دارند خیال ما از این منطقه راحت است و باید تمام توجه ها به غزه و حماس باشد. در هر صورت جنبش حماس اعلام کرده که تا زمانی که تشکیلات دست از بازداشت، شکنجه و زندانی کردن اعضای حماس برندارد هیچ گونه همکاری و هماهنگی با این جنبش وجود ندارد.

جهاد اسلامی فلسطین

جهاد اسلامی فلسطین در اواخر دهه ۱۹۷۰ توسط سه دانشجوی فلسطینی در مصر لینی فتحی شقاقی، عبدالعزیز عوده و بشیر موسی به عنوان بخشی از جهاد اسلامی مصر تشکیل شد. این جنبش پس از مدتی از جهاد اسلامی مصر مستقل شد و مبارزه مسلحانه را یک استراتژی سیاسی برای نابودی کامل حکومت صهیونیستی، برپایی حکومت اسلامی در فلسطین و اجرای قوانین اسلامی در جامعه اتخاذ کرد.

مبارزان شاخه نظامی این سازمان (گردان های قدس) با جنگ های چریکی و گروه های ضربتی و انجام عملیات استشهادی حملات بسیاری را علیه اسرائیل به اجرا درآوردند و صدها نفر از نظامیان صهیونیستی را به هلاکت رساندند. یکی از علل اصلی حمله اسرائیل به غزه در دسامبر ۲۰۰۸ همین عملیات نظامی گردان های قدس و گردان های قسام بوده است.



شلیک موشک های قدس به شهرک های اسرائیلی نیز از مهمترین عملیات نظامی این جنبش بوده که به همراه موشک های حماس، سران رژیم صهیونیستی را به ستوه آورده بودند. یکی دیگر از مهمترین عملیات جهاد اسلامی پس از آغاز انتفاضه الاقصی حمله به یک اتوبوس اسرائیلی در ژوئن ۲۰۰۲ بود که بسیاری از صهیونیست ها را به هلاکت رساند و زخمی کرد.

در میان گروه های فلسطینی، جهاد اسلامی بیشترین نزدیکی را با حماس دارد و از نظر اهداف و عقاید اشتراکات زیادی با هم دارند. هر دو جنبش مسلمان هستند و موجودیت رژیم اشغالگر قدس را به رسمیت نمی شناسند و برای نابودی این رژیم مبارزه می کنند. عملیات نظامی مشترکی را علیه اسرائیل به انجام رسانده اند، هر دو در جریان جنبش اخوان المسلمین مصر شکل گرفته و سپس از آن منشعب شده اند. هر دو مخالف سرسخت موافقتنامه های اسلو هستند و اعتقادی به مذاکرات صلح ندارند. جهاد اسلامی نیز همچون حماس معتقد است که تشکیلات خودگردان فلسطینی قانونی نیست و ریاست عباس به این تشکیلات جنبه قانونی ندارد و باید هر چه زودتر این تشکیلات برچیده شود. جنبش جهاد اسلامی هرگونه سازش اعراب با رژیم اشغالگر را محکوم می کند و مانند حماس معتقد است هیچ راهی برای حل و فصل مسئله فلسطین جز نابودی اسرائیل وجود ندارد. فتحی شقاقی رهبر این جنبش در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ در مالت توسط ماموران موساد به شهادت رسید و پس از آن رمضان عبدالله مسئولیت هدایت این سازمان را برعهده گرفت.

سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)

ساف که مخفف سازمان آزادی بخش فلسطین است، در سال ۱۹۶۴ بوسیله سران عرب در کنفرانس اتحادیه عرب بوجود آمد. یک سال قبل سران کشورهای نامبرده در چنین کنفرانسی تصمیم گرفتند تا گروهی را که نماینده انجام مردم فلسطین باشد و تحت نظارت رسمی اعراب فعالیت کند، بوجود آورند. اعراب که ترس داشتند با ناکامی بین المللی مواجه گردند و از صحنه بازی خاورمیانه خارج شوند، به فکر بسط و توسعه نفوذ سیاسی خود بر گروه های فلسطینی افتادند

سازمان آزادی بخش فلسطین که اینک بیشتر به یک سازمان تشریفاتی تبدیل شده است متشکل از ۱۳ گروه فلسطینی از جمله جنبش فتح است. جنبش های جهاد اسلامی و مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) زیر مجموعه این سازمان نمی باشند. اخیرا در خواست هایی برای عضویت حماس و جهاد اسلامی در ساف مطرح شد که این دو جنبش ابتدا خواستار بازنگری کامل در ساختار ساف و سپس در صورت صلاحدید عضویت در آن شدند. در حال حاضر موضوع تعیین سفرای فلسطین در کشورهای خارجی برعهده ساف است که ریاست آن را نیز ابومازن پس از فوت عرفات برعهده گرفته است. این سازمان دارای پارلمانی است که به مجلس ملی فلسطین مشهور است. پس از شکل گیری حکومت تشکیلات خودگردان فلسطین در سال ۱۹۹۵ و تشکیل مجلس قانونگذاری این تشکیلات ساف و مجلس ملی اش عملا کارایی خود را از دست داده است و نزدیک به ۱۴ سال است که هنوز نشست این مجلس شکل نگرفته است. اخیرا ابومازن پس از برگزاری کنگره سراسری فتح که پس از گذشت ۲۰ سال صورت گرفت اعلام کرده است که قصد دارد مجلس ملی فلسطین را نیز برگزار کند. ساف خود را نماینده همه فلسطینی ها داخل و خارج می داند. رییس دایره سیاسی این سازمان فاروق قدومی (ابولطف) بوده که از شخصیت های قدیمی فتح است. تقریبا تمامی اعضای سازمان ساف در حوزه اداری و اجرایی آن را اعضای فتح تشکیل می دهند. در دوران یاسر عرفات وی هم رییس ساف بود و هم رییس فتح. ابومازن نیز می کوشد به نوعی همین مناصب را داشته باشد.

جبهه مردمی برای آزادی فلسطین

سازمان چپ گرای سیاسی و نظامی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین در سال ۱۹۶۷ توسط «جرج حبش» و ابوعلی مصطفی و احمد جبرئیل با هدف آزادی فلسطین از سیطره اسرائیل از طریق مبارزات چریکی بنیانگذاری شد. این گروه دومین گروه بزرگ در مجموعه احزاب فلسطینی موسوم به سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) پس از فتح است و مواضع سرسختانه ای برای تحقق خواسته های ملی فلسطینیان اتخاذ کرده و با روش میانه روی فتح مخالف است. این سازمان تا سال ۱۹۹۹ با موافقتنامه های اسلو مخالف بود، اما در این سال طی گفت و گوهایی با رهبران ساف مذاکره با اسرائیل را پذیرفت. پس از شهادت ابوعلی مصطفی دبیر کل این سازمان در حمله موشکی اسرائیل به مقر این حزب، شاخه نظامی این سازمان به نام گردان های ابوعلی مصطفی شکل گرفت.



جبهه مردمی برای آزادی فلسطین دارای دیدگاهی ضدامپریالیستی است و معتقد است اسرائیل که از صهیونیسم جهانی مایه می گیرد امپریالیست است و باید با آن مبارزه کرد.

جبهه مردمی برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل)

این گروه فلسطینی در سال ۱۹۶۸ توسط احمد جبرئیل با انشعاب از جبهه مردمی برای آزادی فلسطین تأسیس شد. این سازمان در سوریه تشکیل شد و دفتر مرکزی آن در دمشق و پایگاه نظامی آن در جنوب لبنان قرار دارد.

تمرکز بر روی فعالیت های نظامی و کاهش فعالیت های سیاسی خواسته اصلی احمد جبرئیل فرمانده شاخه نظامی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین بود و همین مسئله باعث اختلاف او با جرج حبش دبیر کل سازمان بود که به انشعاب و ایجاد گروه جدید منجر شد.

جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین

جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین در سال ۱۹۶۹ با انشعاب از جبهه مردمی برای آزادی فلسطین تأسیس شد. دلیل جدایی این گروه از جبهه مردمی برای آزادی فلسطین، اختلاف در مورد اولویت فعالیت سیاسی و ایدئولوژیک نسبت به مبارزه نظامی و عملیات مسلحانه بود.

جناح چپ گرای این سازمان در سال ۱۹۶۹ به دلیل اینکه رویکرد سازمان را بیش از حد نظامی می دانست از گروه جدا و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین تأسیس شد. هدف جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین ایجاد یک فلسطین دموکراتیک مردمی است که در آن اعراب و یهودیان بدون نزاع با یکدیگر زندگی کنند و ایجاد کشوری بی طبقه و به دور از تبعیض ملی که اعراب و یهودیان هر دو فرهنگ ملی خود را پاس دارند. اعضای جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین معتقدند که از قدرت گرفتن نیروهای افراطی و درگیری های نظامی در فلسطین باید جلوگیری شود و دیدگاه های افراطی جای خود را به میانه روی دهند. نایف حواتمه رهبر این سازمان و بیشتر اعضای شورای مرکزی آن در سوریه زندگی و از این کشور حمایت های مالی نیز دریافت می کنند.

موضوع فلسطین در گفتمان ایران

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و این دگرگونی، تنها به تغییر نظام حاکم بر ایران از پادشاهی به جمهوری محدود نشد، بلکه تحولی انقلابی در سطح منطقه و جهان پدید آورد که مبنای این تحول بزرگ، در نوع نگرش به اسرائیل نهفته بود. جمهوری اسلامی ایران، نبرد با اسرائیل را یک پیکار عقیدتی و دینی می داند که هویت و جایگاه جهان اسلام در دنیا، به آن بستگی دارد و یک نبرد سیاسی، قومیتی یا جغرافیایی نیست که قابل چانه زنی و معامله باشد.

اسلامگرایان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران را واقعه ای تاریخی و نقطه عطفی در روند وقایع جهانی می دانند، زیرا از نگاه آنان، ایران وابسته به غرب و هم پیمان اسرائیل و امریکا، به کلی تغییر ماهیت داد و به جبهه جهانی مقاومت و ایستادگی در برابر استعمار پیوست. از این رو ایران اسلامی نوین، از لحظه نخست پیروزی انقلاب، بر مبنای نگرش جدید و برخلاف گذشته، همسو با منافع و مسائل جهان اسلام، با جدیت در مسیر تصحیح رویکردها و تعاریف و تشخیص دوست از دشمن تلاش کرده و از مبنای فرهنگی غرب که نتایج متفاوت با رویکرد امت اسلام پدید آورده بود، دوری گزیده است. (ابو شرخ، ۱۳۶۸) شیخ اسعد تمیمی، یکی از رهبران فلسطینی، در خصوص تأثیر معنوی اسلامی در جهان اسلام خصوصاً فلسطین می گوید: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود، حتی در عرصه واژگان. مثلاً به جای جهاد از کلماتی همچون نضال و کفاح استفاده می شد. .. انقلاب ایران، واقعیت قدیمی، اسلام و راهحل جهاد... را به سرزمین فلسطین وارد کرد.» (کاظمی کهرودی، ۱۳۸۱: ۵۷)

جمهوری اسلامی ایران با در پیش گرفتن مسیری مستقل از شرق و غرب، موضوع فلسطین را جزء اولویت های خود قرارداد و همزمان با تعطیل کردن سفارت اسرائیل در تهران، به جای آن نخستین سفارت فلسطین در جهان را افتتاح کرد. جنبش های «حماس» و «جهاد اسلامی» و نیز مقاومت اسلامی لبنان هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با الهام از روح مقاومت برخاسته از اندیشه امام خمینی شکل گرفت. (فحص، ۱۹۷۹)



اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بدو انقلاب ((از دیدگاه امام خمینی))

الف) استقلال، آزادی و منافع ملی - سیاست ایران موضع استقلال و نفی وابستگی قدرتهای بزرگ را دنبال می کرد و در پی منافع ملی و قطع وابستگی و خودکفایی بود همانطور در سخنان امام خمینی (ره) در مصاحبه با روزنامه دی ولت گرانت آمده.

((سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی و استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی کنیم)).^۱
((ما در تمام زمینه ها، در جهت منافع مردم خودگام بر می داریم و با آنچه صلاح آنان و پاسخگوی آرمان اسلامی آنان باشد عمل می کنیم)).^۲

ب) نفی سلطه گری و ظلم: جمهوری اسلامی ایران به هر گونه سلطه گرای و ظلم در مورد دولتها و ملتها مخالف است و هیچگونه ظلم و تعدی را نسبت به کشور خود تحمل نخواهد نمود

((ما تعدی به هیچ کشوری به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد، و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید کرد)).^۳

ج) اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر: ((روابط ما با تمام خارجیها براساس اصل احترام متقابل خواهد بود، در این رابطه نه به ظلمی تسلیم می شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد و در تمام زمینه ها و قراردادهای براساس مصالح ملت عمل می نماییم)).^۴

سیاست های کلان جمهوری اسلامی ایران

سیاستهای کلان جمهوری اسلامی ایران ریشه در میراث سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دارد: فرهنگی که به پیروزی انقلاب منجر شد و به اصول و ساختارهایی تبدیل گشت که اهداف سیاست خارجی کشور را می توان از آنها مشتق نمود. با توجه به قانون اساسی و عملکرد ایران، سیاستهای کلان را می توان در سه قسمت تقسیم بندی کرد:

الف) حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی: این سیاست یعنی حفظ تمامیت ارضی و تأمین حکومت ملی، عرف جهانی است و هدفی است که هر کشور - ملتی به دنبال آن می باشد. این هدف حالت طبیعی داشته و هر نظام سیاسی با هر مجموعه از اولویتها، بدین گونه مسائل توجه خاصی خواهد نمود.

ب) دفاع از مسلمانان و نهضت های آزادیبخش و تعارض با اسرائیل و استکبار: دفاع از مسلمانان و نهضت های آزادیبخش به معنای دفاع از منافع یک پنجم جمعیت کره زمین خواهد بود که کاری است عملی، ولی مستلزم امکانات و قدرت و توانمندی های فوق العاده ای است که پیچیده تر و دارای تفاوتها و چه بسا تضادهای جدی در میان کشورها و اقدام مختلف است

ج) استقرار یک جامعه اسلامی بر اساس مبانی شیعی:

این هدف هر چند ظاهر داخلی دارد ولی با توجه به هدف دوم سیاست خارجی، عواقب بیرونی خواهد داشت زیرا ایجاد یک نظم اسلامی در ایران، تعاملات ایران با محیط بیرونی خود را بطور خاصی شکل می دهد و ممکن است با دنیایی که دین را یک انتخاب فردی می داند و در کشورهای مسلمان نشین که با نظامهای سلطنتی و اقتداری اداره می شوند، زمینه های تضاد ایجاد کند.^۱ سیاستی که جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از انقلاب به واسطه آرمانها و اعتقادات برای خود طراحی کرده است، ریشه در جهانشمول و فلسفی و جهان و کلان و فراگیر و ابدی بودن اعتقادات اسلام دارد. اما مشکل اینجاست که مقررات ایران پاسخگوی اهداف جمهوری اسلامی

^۱ مصاحبه روزنامه هلندی دی ولت گرانت؛ امام خمینی، ۵۷/۸/۱۶.

^۲ مصاحبه خبرگزاری سوشیتد برلی با امام خمینی ۵۷/۸/۱۶.

^۳ بیانات امام خمینی در جمع سفرا، دیپلماتها و وابستگان نظام کشورمان خارجی مقیم ایران، ۵۹/۱۱/۱۲.

^۴ داستانی بیرکی، علی، سیاست خارجی و روابط بین الملل (از دیدگاه امام خمینی)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ۱۳۷۹-۴۸-۵۳.

^۱ - سریع القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف» تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ۱۳۷۹، صص ۴۸-۵۳.



نیست، هر هدفی به حجمی از قدرت نیازمند است. ایجاد زمینه های رشد و پیشرفت در میان مسلمانان تابع استقلال، امکانات و عقل جمعی آنان خواهد بود. اگر مسلمانان نوعی برنامه ریزی را برای دو قرن آینده، نمایند، و اجماعی میان آنها برای حصول به استقلال و شوکت؟ بوجود آید، طبعاً این کار عملی است، ولی حد اعلاي روابط میان دو یا چند کشور به صورت همگرایی است که خود همگرایی نیز محدودیتهایی را داراست.

جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف سه گانه خود نیاز به ائتلاف و اتحاد دارد که این اتحاد و ائتلاف با کشورها در وضعیت کنونی جهان و منطقه با توجه به حاکمیت های آنها بسیار بعید به نظر می رسد و از بعد واقع گرایی تعدیل در سیاستهای کلان صورت خواهد گرفت.

اصول و مبانی سیاست خارجی، مواضع جهانی

الف) تأکید بر ارزشهای اسلامی: حفظ ارزشها و حرمت مقدسات جمهوری اسلامی ایران بر هر نوع رابطه سیاسی و اقتصادی با هر کشوری ارجعیت قطعی دارد. هر کشور و هر شخصی که ارزشها و مقدسات اسلام و جمهوری اسلامی ایران را مورد هتک قرار بدهد با او برخورد می کنیم. پایبندی جمهوری اسلامی ایران به مواضع اصولی خود و مقاومت در برابر بی عدالتی های قدرتهای زورمداری عالم موجب تحقیر آنان شده است و به همین دلیل است که دشمنان بسیاری داریم، که باید برای دفاع از کشور در همه ابعاد همواره آمادگی کامل داشته باشیم.^۱

جمهوری اسلامی ایران روابطش را با دیگر کشورها در چارچوب ارزشهای اسلامی و ملی تعریف می کند و در این راستا نه به حق و حقوق کشوری تجاوز کرده و نه اجازه تجاوز و تعدی به حقوق خود را می دهد.

ب) تأکید به نفی سلطه: ایران با تصمیمهای مستقلی که خود می گیرد، خط مشی و راه زندگی را تعیین می کند. توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران نشأت گرفته از استقلال سیاسی کشور است، ایران همه تصمیمات اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را با تکیه بر ارزشهای اسلامی که به آن معتقد است می گیرد. جمهوری اسلامی ایران مصرانه و صادقانه در پی صلح و ثبات پایدار و همزیستی مسالمت آمیز در جهان است و عملاً نیز ثابت کرده است که بزرگترین حامی صلح و ثبات در منطقه بویژه در کشورهای همسایه است.

ج) تأکید به اصل همزیستی مسالمت آمیز: جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان دوستی و احترام متقابل با تمام کشورهای جهان بوده است، و در این رابطه در سیاست خارجی خود گامهای موثر نیز برداشته است تا سیاست صلح جویانه آن به تمام کشورهای بخصوص کشورهای منطقه آشکار شود. آقای حبیبی معاون اول رئیس جمهور وقت در این رابطه می گوید: « صلح و همزیستی مسالمت آمیز از اصول اساسی اسلام است و جمهوری اسلامی ایران با این اعتقاد در جهت حل مسالمت آمیز بحرانهای منطقه ای تلاش می کند.^۱ »

اصول و مبانی سیاست خارجی، مواضع منطقه ای

از لحاظ مواضع منطقه ای، در اتخاذ مواضع کلی نسبت به خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران با حضور بیگانگان در منطقه مخالفت کرده، نیروی توازن بخش را پذیرفته است و بر همکاری منطقه ای، ثبات و امنیت منطقه ای، ضرورت خلع سلاح هسته ای، ایجاد مناطق عادی از سلاحهای هسته ای و بر اصل عدم مداخله تأکید کرده است. مواضع کلی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس نیز در برگیرنده تأکید بر نفی سلطه، مخالفت با بیگانگان، مخالفت با سیاست تفرقه افکنی، تأکید بر تقویت تفاهم و اعتماد، تأکید بر توسعه روابط متقابل، تأکید بر همکاری منطقه ای، تأکید بر ثبات و امنیت منطقه ای تأکید بر امنیت جمعی بوده است و در مورد همین منطقه پایبندی خود را به موازین بین المللی اعلام کرده است. اصل حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات (مذاکره)، روابط مودت آمیز، روابط مبتنی بر حسن همجواری، و اصل عدم مداخله را مورد تأکید قرار داده است.^۱ و در این زمینه نهایت سعی خود را برای یکپارچگی منطقه و امنیت کشورهای موجود بدست خودشان و عاری از بیگانگان به انجام رسانیده است.

^۱ ولایتی، علی اکبر، ((تأکید بر ارزشهای اسلامی)) مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۹

^۱ مباحث اسناد، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۶) ص ۴۹۴



اصول و مبانی سیاست خارجی، مواضع نهضت‌های آزادیبخش

جمهوری اسلامی ایران نهضت‌هایی را که برای آزادی و نفی ظلم به پا خاسته اند و راه مبارزه را در پیش گرفته اند حمایت می نماید. آرمان دولت انقلاب اسلامی ایران این است که همه ممالک اسلامی و همه مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بایستند و مسائل خودشان را اخذ کنند و حق خود را بگیرند، و باید بدانند که حق، گرفتنی است، والا اعطا نخواهد شد.^۲ ملت آزاده ایران هم اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطقشان توپ و تانک و شعارشان سر نیزه است کاملاً پشتیبانی می نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادیبخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می کنند پشتیبانی می کنیم.^۳

اصول و مبانی سیاست خارجی، مواضع گروه‌های مبارز فلسطینی

کشور جمهوری اسلامی ایران هیچگاه از بدو انقلاب تا کنون کشوری به نام اسرائیل را به رسمیت نشناخته است و همیشه از آن به سرزمین اشغالی یاد نموده است. و مردم مسلمان فلسطین و گروه‌های مبارز آن را صاحب اصلی این سرزمین می دانند. جمهوری اسلامی ایران همواره پشتیبان و طرفدار گروه‌های مبارز فلسطین بوده است و از هیچ کمک سیاسی اقتصادی، فرهنگی و ... دریغ نکرده است. ایران همواره در مورد فلسطین تداوم بخشیدن و عدم تغییر دادن خط مشی بر نفی سلطه طلبی تاکید کرده است و سیاست های توسعه طلبانه اسرائیل را رد نموده است. با مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، با توافق سازمان آزادی بخش و اسرائیل، و با ناتوانی در احقاق حقوق فلسطینی ها مخالفت کرده است، به وحدت اعراب، نقش مجامع صلاحیتدار بین المللی در قبال بحران تاکید داشته است، از حقوق فلسطین ها حمایت به عمل آورده است. همچنین اصل تعیین سرنوشت خود و حفظ هویت عربی فلسطینی را مورد تاکید قرار داده، پابندی خود به موازین بین الملل را اعلام داشته، تجاوز را محکوم کرده و اشغال اراضی را به رسمیت نشناخته است، ایران موجودیت اسرائیل را نامشروع اعلام کرده، برحق بازگشت فلسطینی ها به سرزمین خود تاکید کرده است.^۱

دیدگاه امام خمینی در رابطه با اسرائیل:

((اسرائیل غاصب است و هیچ گونه رابطه ای بین ایران و یک مشت غاصب وجود ندارد)) ((اسرائیل چون غاصب است و در حال جنگ است با مسلمین، روابطی نخواهیم داشت و کسی با غاصب و دشمن رابطه ای نخواهد داشت))^۲

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره حکومت آقای رفسنجانی:

پس از رحلت رهبر انقلاب و بازنگری قانون اساسی، بین اعضای شورای عالی امنیت ملی به ریاست آقای هاشمی رفسنجانی که به تازگی رئیس جمهوری ایران شده بود، این اتفاق نظر بوجود آمده بود که جمهوری اسلامی بدون گسترش انقلاب اسلامی در خارج از مرزهایش قادر به ادامه حیات نیست. در این سالها نظریه اصل سیاست خارجی ایران را همان ام القرآنی اسلامی شکل داده بود، به گونه ای که جمهوری اسلامی به منبع اصلی هدایت کننده بنیاد گرایی اسلامی تبدیل شده بود. در واقع عملکرد سیاست مبتنی بر صدور انقلاب در این مقطع زمانی، به نگرانی کشورهای میانه رو و محافظه کار منطقه از ظهور جنبشهای انقلابی مشابه با ایران در کشورهای خود افزود. این نگرانی به نوبه خود جمهوری اسلامی را در مقابل اتحاد ناهمگونی مرکب از کشورهای محافظه کار حوزه خلیج فارس، عراق چپ گرا و ذهنیت مداخله گرایانه ایالات متحده آمریکا قرار داد.

این صف آراییی نابرابر و بروز مشکلات اقتصادی و تنگناهای نظامی، سیاستمداران ایران را به سمت فراهم آوردن بستری نظری مبتنی به اولویت دیدگاه ((اسلام در یک کشور)) بجای نظریه صدور انقلاب رهنمون شد. پایان جنگ و پذیرش قطعنامه (۵۹۸) در واقع براساس این ذهنیت و در دیگاه جدید که فقط ام القری را بر منافع جهان اسلام مقدم می داشت، صورت گرفت.

^۲ داستانی پیرکی، علی، سیاست خارجی و روابط بین الملل ((از دیدگاه امام خمینی)) تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۱ ص ۵۵.

^۳ پیام امام خمینی در سخنرانی ۵۸/۱۱/۱۵ به مناسبت ولادت و هجرت حضرت محمد (ص).

^۱ مباحثی اسناد، جمله سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۲، (تابستان ۱۳۷۶) ص ۴۹۵

^۲ داستانی پیرکی، علی، سیاست خارجی و روابط بین الملل ((از دیدگاه امام خمینی)) تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ ص ۱۵۶



محمد جواد لاریجانی معاون وزیر امور خارجه وقت ایران در تبیین دکترین ام القری در مرداد ۱۳۶۸ می گوید: اولین نکته، موقعیت ها در جهان اسلام است، یعنی ایران نباید به مرزهای جغرافیایی محدود باشد، نه اینکه قصد داریم سرزمین دیگری را بگیریم، بلکه موقعیت ها در جهان اسلام با مرزهای جغرافیایی تعریف نمی شود. ما باید طوری دیپلماسی و سیاستمان را طراحی کنیم که با موقعیت ما در جهان اسلام هماهنگ باشد. ما در جهان اسلام هم موقعیت عظیمی داریم، هیچ کشوری جز ایران نمی تواند جهان اسلام را رهبری کند و این یک موقعیت عظیم تاریخی است. جمهوری اسلامی ایران سه هدف حیاتی را دنبال خواهد کرد.

(۱) حفظ ماهیت اسلامی رژیم و موقعیت آن در جهان اسلام

(۲) حفاظت و دفاع از امنیت کشور، یعنی جمهوری اسلامی ایران

(۳) گسترش جمهوری اسلامی.

در واقع براساس دکترین ام القری اگر کشوری در میان کشورهای اسلامی، ام القری دارالسلام شد، به نحوی که شکست یا پیروزی آن کشور، شکست یا پیروزی کل جهان اسلام به حساب آید، در آن صورت حفظ ام القری، بر هر امر دیگری اولویت دارد. بدین خاطر بین جهان اسلام و ام القری رابطه ای دیالکتیکی وجود دارد؛ به نحوی که هر زمان جهان اسلام به مخاطره بیافتد، ام القری واکنش نشان می دهد و بر عکس هرگاه هستی ام القری تهدید گردد، جهان اسلام به حرکت در خواهد آمد.^۱

تغییر الگوی رفتاری سیاست خارجی به مصالحه و همزیستی

در این برهه الگوی رفتاری سیاست خارجی به مصالحه و همزیستی تغییر یافت و زندگی در سایه مناسبات با سایر ملل مورد اهتمام قرار گرفت. تلاش دولت آقای رفسنجانی بر رفع تحریم اقتصادی غرب، کاهش فشارهای بین الملل، رفع ویرانی های ناشی از جنگ ایران و عراق و کاهش برخوردهای سیاسی - اجتماعی داخلی تمرکز یافت، و در راستای بازبانی جایگاه منطقه ای ایران و تغییر جهت موازنه منطقه ای به نفع جمهوری اسلامی به ایفای نقش مطلوب و افزایش نفوذ منطقه ای تاکید گردید. در این مقطع، بنای سیاست خارجی ایران بر اساس اصول ((عزت، حکمت و مصلحت)) قرار گرفت.^۲

آیت الله هاشمی رفسنجانی در حمایت از مقاومت فلسطین نقش پررنگی داشتند. ایشان در تمامی دوران نسبت به موضوع فلسطین حساسیت ویژه ای داشت و همواره در اندیشه احیای حقوق این ملت بود و رهبران و مسوولان نهادهای گوناگون فلسطینی را برای دستیابی به حقوق حقه مردم فلسطین رهنمود می کرد.

پیاده سازی سیاست های انگلیسی مبنی بر کوچ یهودیان به خاورمیانه و سرزمین فلسطین، اشغال این کشور همواره با اعتراض های زیادی همراه بوده است. رهبران دینی و مذهبی کشور و بزرگان نظام همچون بنیانگذار انقلاب، مقام معظم رهبری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام همیشه صریح ترین موضع گیری ها را در این باره داشته اند. آنان تا حد توان تلاش کرده اند تا اجماعی منطقه ای و حتی جهانی علیه رژیم غاصب صهیونیستی ایجاد کنند که روز قدس نمونه ای از این اقدام های سازنده در نشان دادن مظلومیت مردم فلسطین است. در این میان اما آیت الله هاشمی رفسنجانی نقش تاثیرگذاری در اعتراض به اشغال فلسطین داشت؛ اعتراض هایی که از دوره پهلوی شروع شد و تا درگذشت وی ادامه یافت. او پیش از انقلاب در ۱۳۴۲ خورشیدی به ترجمه و انتشار کتاب عربی «القضیه الفلسطینیة» نوشته «اکرم زعیتر» سفیر وقت اردن در ایران با عنوان «سرگذشت فلسطین» اقدام کرد؛ کتابی که جزو پرفروش ترین ها بود و به سرعت چاپ اول آن تمام شد. وی از هر فرصتی برای اعلام براءت از اشغالگری رژیم اسرائیل استفاده می کرد. آیت الله هاشمی رفسنجانی با ترجمه این کتاب یکی از شاهکارهای زندگی او به شمار می رود، مانع از فراموشی موضوع فلسطین شد و دوباره بر اهمیت مبارزه با اسرائیل به عنوان رژیمی متجاوز تاکید کرد. نشر این کتاب در زمانی صورت گرفت که رژیم پهلوی تلاش می کرد تا موضوع اسرائیل و نفرت همگانی از آن به تدریج به فراموشی سپرده شود و ارتباط هایی دوستانه با اسرائیل برقرار کند اما چاپ

^۱ ازغندی، علیرضا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قدس، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۵

^۲ دهشیری، محمد رضا، «چرخه آرمان گرایی و واقع گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، ش ۲ (تابستان



این کتاب که در آن بیشتر اهمیت مبارزه با اسرائیل برجسته شده بود، به بیداری مردم جامعه کمک بسیاری کرد، بنابراین می توان گفت که این حرکت وی یک اقدام مهم مبارزاتی محسوب می شود.

این کتاب با استقبال بخش بزرگی از جامعه متفکر، دانشجویان و طلبه های زمان قرار گرفت و زمینه ای برای برگزاری سمینارها، گردهمایی ها و سخنرانی هایی شد که شعله حمایت از فلسطین را در کشور روشن نگاه داشت. به این ترتیب تلاش برای همکاری و حمایت از ملت مظلوم فلسطین افزایش یافت و بستر را برای گسترش فعالیت ها برای آزادسازی فلسطین فراهم کرد. تعدادی از مبارزان ایرانی و لبنانی پس از آن با مسوولان ملت فلسطین در تماس بودند و آنان را زیر چتر حمایتی مشورتی، مالی و آموزش نظامی خود قرار دادند.

پس از پیروزی انقلاب و یکپارچگی نظام در حمایت از فلسطین، این موضوع با جدیت بیشتری پیگیری شد. نقش غرب در کوچ یهودیان به سرزمین فلسطین و آتش افروزی در منطقه خاورمیانه هرگز از نظر مصلحت اندیش نظام دور نماند. آیت الله هاشمی رفسنجانی در ۲۸ مهر ۱۳۹۴ خورشیدی در دیدار با «صلاح زواوی» سفیر فلسطین در جمهوری اسلامی ایران به این موضوع اشاره و اظهار کرد: «واقعا غربی ها آتش وجود صهیونیست ها را از سرزمین های خود دور کرده اند و به دامن کشورهای اسلامی انداخته اند و بعضی از حکومت های اسلامی نیز چنان مساله فلسطین را فراموش کرده اند که انگار اسرائیلی به عنوان پدیده خطرناک در منطقه نیست

آیت الله هاشمی رفسنجانی همچنین در ۲۸ مهرماه ۱۳۸۹ خورشیدی در دیدار با «صلاح زواوی» سفیر فلسطین در جمهوری اسلامی ایران با اعلام ایستادگی ملت و دولت ایران در کنار مردم فلسطین، مقاومت را به عنوان راه اساسی اعاده حق مردم مسلمان فلسطین و زندگی آنان در سرزمین مادری دانست و تاکید کرد که هرگونه سازشی که بازگشت کلیه آوارگان فلسطینی به کشور خود را به همراه نداشته باشد، محکوم به شکست است.

آیت الله هاشمی رفسنجانی پیش از ریاست جمهوری و حتی پیش از انقلاب اسلامی نسبت به موضوع فلسطین حساسیت ویژه ای داشت و همواره در فکر احیای حقوق این ملت بود. ایشان در زمان ریاست جمهوری نیز در هر فرصتی که به دست می آمد با رهبران و مسوولان نهادهای گوناگون فلسطین در تماس بود و به عبارتی مقام های ملت فلسطین همیشه از مشورت و رهنمودهای آیت الله هاشمی رفسنجانی بهره می جستند. بنابراین می توان او را یکی از بزرگ ترین حامیان فلسطین برشمرد. در کابینه این سیاستمدار برجسته موضوع دفاع از حق ملت فلسطین و حمایت از آنان جزو اولویت های مهم سیاست خارجی به شمار می رفت. در دولت سازندگی سمینارها، کنفرانس و همایش های گوناگونی برای حمایت از فلسطین برگزار شد. از طرفی، مسوولان فلسطینی در این دوره همواره با ایران در ارتباط بودند و علاوه بر رفت و آمد به ایران و دیدار با ارکان اصلی نظام، از مشورت های رئیس فقید دولت سازندگی بهره می گرفتند.

در زمانی که آیت الله هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس شورای اسلامی یا خبرگان را بر عهده داشت، با مشورت و هم فکری هایی که با امام داشتند، علاوه بر ارایه جزییات از وضعیت کنونی فلسطین، رهبر انقلاب را در اتخاذ تصمیم مناسب در قبال این سرزمین یاری می کرد. ایشان در زمان حضور در مجلس نیز از هیچ تلاشی برای کمک به قیام ملت فلسطین فروگذاری نکرد و نظر و دیدگاه مساعدی نسبت به تخصیص بودجه برای حمایت از فلسطینیان داشت. از طرفی می توان گفت که یکی از هدف های ایشان در حمایت از تشکیل دولت سوریه و حزب الله لبنان آزادسازی فلسطین به شمار می رفت چرا که سوریه به عنوان کشوری مخالف و مقاوم در برابر رژیم صهیونیستی و حامی و پشتیبان صدها هزار پناهنده فلسطینی و همچنین لبنان در جایگاه کشوری که بارها در معرض تجاوز این رژیم قرار گرفته است، می توانستند از راه همکاری با ایران از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند و به عنوان مانعی در برابر زیاده خواهی های رژیم اسرائیل قرار گیرند.

در دوره ریاست جمهوری ایشان بسیاری از کشورهای عربی منطقه تلاش می کردند که با ایجاد تفرقه میان مردم فلسطین همزمان با شعار حمایت از این ملت، با ایجاد بحران آنها را از دستیابی به اهداف مبارزاتی محروم کنند. بنابراین رژیم بعث عراق از طرف خود حزب



مبارز فلسطینی ایجاد می کرد که در ظاهر مدافع منافع فلسطینیان بودند اما در حقیقت در جریان مبارزه های فلسطینیان اختلال ایجاد می کردند. برخی از کشورهای دیگر همچون اردن، مصر یا کشورهای سوسیالیستی دیگر، گاه حزب های دیگری تشکیل می دادند که چندان کارا نبود. مهم ترین اقدام آیت الله هاشمی رفسنجانی این بود که گروه های گوناگون حامی فلسطین را به هم افزایی و همفکری برای برگزیدن هدفی واحد درباره فلسطین دعوت کرد تا این گروه ها همگام با مبارزان فلسطینی در برابر ظلم رژیم صهیونیستی ایستادگی و با حرکت به طرف آزادسازی فلسطین، دیدگاه های باورها و ایده های (ایدئولوژیک) مردم را در کشورشان پیاده سازی کنند. ایشان در این زمینه با تلاش در راستای اتحاد حزب های حامی فلسطین فعالیت های بسیاری برای رفع اختلاف های آنان کرد به عبارت دیگر می توان گفت که وی نقش موثری در شکل گیری حزب های منسجم اسلامی در کشورهای منطقه و حمایت از حقوق فلسطینیان داشت.

همان گونه که آیت الله هاشمی رفسنجانی نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت، در ایجاد انگیزه برای مقاومت فلسطینیان نیز نقش پررنگی ایفا کرد. پیروزی انقلاب اسلامی و بسته شدن سفارت اسرائیل و تشکیل سفارت فلسطین به جای آن، روحیه مردم فلسطین را تقویت کرد و همچنین حضور مقتدرانه ایران به عنوان کشوری موفق در منطقه در کنار فلسطینیان، به آنان کمک کرد تا به بازسازی نیروها بپردازند و امیدشان را بازیابی کنند.

جهاد اسلامی و دوران سازندگی

گفتمان عمل گرا یا مصلحت اندیش در دوران سازندگی در سیاست خارجی ایران به منزله ی هژمونیک رسید. عنصر محوری این گفتمان واقع بینی در تنظیم سیاست خارجی بر اساس اصول و ارزش های اسلامی است. به گونه ای که در عین احترام به آرمان های اسلامی در سیاست خارجی به مقدرات و محذورات ملی نیز توجه می کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۲۲۲).

گفتمان سازندگی از اوایل ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و همزمان با معاهده ی صلح اسلو آغاز می شود. در این دوره تحت تأثیر پاره ای از شرایط تا حدی از صراحت مواضع دولت ایران کاسته شد. اگرچه هدف تغییر نکرده و متوجه دفاع حق طلبانه از حقوق ملت فلسطین بود، اما استراتژی اعلام شده برای رسیدن به آن هدف تحت تأثیر شرایط منطقه ای و بین المللی، تا حدی ملایم تر و پوشیده تر مطرح شد. بدین ترتیب که ایران موضع خود را احترام به خواست ملت فلسطین به شرطی که رفتارندومی با حضور تمامی اقوام فلسطینی از جمله آوارگان فلسطینی برگزار گردد مطرح نمود، دولت سازندگی درصدد بود تا بدین وسیله تا حد ممکن از تنش های ممکن در منطقه و نظام بین الملل بکاهد ولی با اقداماتی که از سوی اسرائیل صورت گرفت از میزان نرمش و ملایمت ایران اسلامی در قبال مساله ی فلسطین و اسرائیل کاسته شد (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

تحلیل روابط خارجی ایران با گروه های جهادی فلسطین در راستای نشان دادن حفظ اصول گرایی در سیاست خارجی دوران سازندگی است، در این دوران همچون گذشته روابط ایران با دولت فلسطین (ساف) تیره بود، جمهوری اسلامی از طریق گروه های جهادی فلسطین سیاست خارجی خود را تنظیم می کرد، زیرا جانب داری یاسر عرفات از سیاست توسعه طلبانه ی صدام حسین در تجاوز به ایران و آمادگی وی برای پذیرش موجودیت رژیم اسرائیل، دو عامل مهم در تیرگی روابط ایران و ساف بود، ایران برای حمایت از مردم فلسطین، که در واقع ریشه های تاریخی آن را باید در واکنش به روابط حسنه ی ایران و اسرائیل در دوره ی پهلوی دوم جستجو کرد، دست یاری به گروه های جهادی فلسطین علیه اسرائیل داده بود. انقلاب اسلامی که یکی از آرمان های اصلی اش حمایت از مسلمانان جهان بود، مساله ی فلسطین را در صدر اهداف و منافع خود قرارداد. گفته های وزیر خارجه ایران، دکتر علی اکبر ولایتی نیز مؤید آن است که «جمهوری اسلامی ایران، مساله ی فلسطین را مهم ترین مساله ی جهان اسلام می داند و چون گذشته از هیچ کمکی نسبت به آن دریغ نخواهد کرد». از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، رژیم اسرائیل نامشروع و جعلی است و اسرائیل غاصب باید نابود شود. در این راستا وزیر خارجه چنین اظهار می دارد: «نابودی اسرائیل و آزادی فلسطین از اهداف استراتژیک ایران است». بر این اساس «تلاش ایران در عرصه های مختلف بین المللی بر محور تضعیف موقعیت بین المللی اسرائیل بوده است».

برای نمونه، تهران میزبان نمایندگان بیش از شصت کشور جهان برای بررسی راه های حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین در روز ۲۷ مرداد ۱۳۷۰ بود. اجلاس تهران ضمن محکوم کردن طرح برگزاری اجلاس به اصطلاح صلح خاورمیانه ای مادرید، بر حمایت گسترده از انتفاضه و



اقدام عملی کشورهای اسلامی برای آزادی فلسطین تأکید کرد. در این اجلاس سازمان‌های فلسطینی طی بیانیه‌ای مشترک، مخالفت شدید خود را با اجلاس آمریکایی صلح خاورمیانه اعلام کردند. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۷۰)

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با شبکه آمریکایی سی.بی.اس. گفت: «ایران با روند صلح در خاورمیانه مخالف است و ما در این مورد تنها نیستیم، روند جاری نه عادلانه است و نه موفقیت‌آمیز و مسائل مهمی چون آوارگان فلسطینی را مورد توجه قرار نداده است (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

به‌طور کلی می‌توان گفت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی در قبال مسأله‌ی فلسطین و مقابله با اسرائیل ادامه‌ی سیاست خارجی نظام در دوران پیشین بوده، مضاف بر آن‌که با تحولات شرایط بین‌المللی و طرح خاورمیانه‌ای جدید از سوی شیمون پرز بر شدت مواضع ایران افزوده شده است (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

نتیجه‌گیری

پس از پایان جنگ عراق علیه ایران و به قدرت رسیدن آقای هاشمی رفسنجان، جمهوری اسلامی ایران فرصت پیدا کرد با انتخاب گزینه‌های سیاسی بسیار گسترده تری نسبت به آنچه که جنگ میسر می ساخت خط مشی واقع بینانه تری را اتخاذ نماید. ظاهراً این جریان در قالب دکترین ام القرای جهان اسلام متجلی گردید. در این مقطع این اتفاق نظر بوجود آمد که جمهوری اسلامی بدون گسترش انقلاب اسلامی در خارج از مرزهایش قادر به ادامه حیات نیست. شعارهایی همچون آرمان آزادی کربلا و قدس و نابودی اسرائیل به مثابه خط مشی اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تلقی می شد، بدین خاطر می توان در این سالها نظریه اصلی سیاست خارجی ایران را همان ام القرای اسلامی دانست.

حمایت ها و کمکهای ایران به گروههای مبارز طرفدار ایران بیشتر گردید و گروههایی که به دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نزدیک بودند، مورد حمایت و کمکهای بیشتر قرار گرفتند، بخصوص در فلسطین اشغالی که همواره مسأله جهانی اسلام تلقی می شد. گروههای حزب الله لبنان، جهاد اسلامی، حماس که معمولاً دیدگاهی همگام با ایران داشتند، مورد حمایت قرار گرفتند، و بحث آزاد سازی فلسطین در محافل داخلی و خارجی از سوی ایران تقویت گردید، و نقش بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در صلح اعراب و اسرائیل موجب خشم و تهدیدات بیشتر آمریکا و اسرائیل نسبت به ایران را فراهم آورد.

کمکهای محدود کشورهای عربی و کمکهای مادی، اقتصادی و ... ایران که بیشتر از طریق سوریه و حزب الله ... لبنان صورت می گرفت، به گفته رهبران این جنبشها نقش بسیاری در شکوفایی و بسیج توده ها به سوی مبارزات علیه اسرائیل ایفا نمود، و موجب تقویت و گسترش دایره نفوذ این جنبشهای مبارز در داخل و خارج فلسطین اشغالی گردید.

با توجه به مطالعاتی که در اسناد و کتابها صورت گرفته نتیجه‌ای که در این مقاله حاصل شده است این‌که جهاد اسلامی از فرآیند شکل‌گیری تا زمان سازندگی در ایران، به نوعی هماهنگ با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بوده و ایران اسلامی، از زمان شکل‌گیری جهاد اسلامی تا دولت سازندگی، تأثیرگذاری گسترده‌ای را بر این گروه داشته است. با تمرکزی که در بیانات رهبران انقلاب اسلامی صورت گرفته و با نگاهی که به تاکتیک‌های ریاست جمهوری‌های انقلاب اسلامی ایران شده است، حاصل این‌که در دولت قبل از هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری کاملاً بر محور اسرائیل و شکل‌گیری حکومتی مردم با محوریت بیت‌المقدس بود در دوران هاشمی رفسنجانی هم نوع نگاه به اسرائیل خیلی با دوران قبل تفاوت نداشت نسبت به دوران قبلی تعدیل‌تر شده بود

منابع

- ابو عمرو، زیاد (۱۳۷۳)، جنبش اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه، ترجمه حسن خامه‌یار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
- اشرافی، مرتضی (۱۳۹۰)، تحول گفتمان توسعه در جمهوری اسلامی ایران، قم: وحدت‌بخش.
- امینی مقدس، ابوالحسن (۱۳۷۸)، «تأثیر دینی انقلاب اسلامی بر ادب انتفاضه»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۴۸.
- پاشاپور، یوالاری (۱۳۸۱)، امام خمینی و انتفاضه‌ی فلسطین، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



- پورحسن، ناصر و طاهره گودرزی (۱۳۸۸)، «امام خمینی^(ره) و مقاومت اسلامی»، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مقاومت اسلامی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی.
- پورقیومی، ایوب (۱۳۸۸)، «درس‌ها و پیامدهای مقاومت مردمی در جنگ ۲۲ روزه غزه»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۴۴.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف.
- شحمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۶)، ایران و فلسطین: جهت و ابعاد تعامل، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۷۵)، حرکت اسلامی فلسطین، تهران: انتشارات اطلاعات.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۳)، فلسطین از دیدگاه امام خمینی^(ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، ۲۱ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- دارا، جلیل و سیدرزاق بهیارمقدم (۱۳۸۸)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی؛ مورد مطالعاتی جهاد اسلامی» در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مقاومت اسلامی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۶۶)، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- رضایی، علیرضا (۱۳۸۷)، «تبیین دوره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر تئوری‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷.
- سینائی، وحید (۱۳۸۶)، ایران و مسأله فلسطین به‌سوی سیاستی واقع‌گرا و یکپارچه، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا ۱۳۶۸، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی‌اشلغی، مجید (۱۳۹۱)، «بازتاب‌های معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۲.
- غفاری‌هشجین، زاهد (۱۳۹۱)، «نقش جنبش‌های اسلامی در تقویت هویت اسلامی در عرصه‌های جهانی‌شدن با تأکید بر جنبش‌های اسلامی فلسطین»، فصلنامه دانش سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱.
- فریدونی، احمد و نسیم شهبازی (۱۳۹۱)، جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کدیور، جمیل (۱۳۷۲)، انتفاضه؛ حماسه‌ی مقاومت فلسطین، تهران: انتشارات اطلاعات.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «جمهوری اسلامی و تحلیل گفتمان‌های سیاست خارجی»، فصلنامه زمانه، شماره‌های ۵۳ و ۵۴.
- متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی (۱۳۹۰)، الگو و روند در سیاست خارجی ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه دینی.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱.
- نوازی، بهرام (۱۳۸۸)، صدور انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی^(ره) و انقلاب اسلامی.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- یعقوبی، سعید (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

Investigation of Hashemi Rafsanjani's foreign policy towards Palestinian Islamic currents

Mohammadreza Enayat Mehri

Master's degree, political science, Mazandaran University, Iran

Abstract - ۱-۱

As one of the important events of the second half of the 20th century, the Islamic Revolution of Iran not only caused fundamental changes in the political geography of Iran, but its scope has gone far beyond one country. The study of the impact of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, which itself is derived from the teachings And the discourse of the Islamic Revolution guides us in the direction of a better understanding of the effects of the Islamic Revolution of Iran. One of these effects is the study of the influence of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in shaping and guiding the Palestinian Islamic resistance. Undoubtedly, the Palestine issue is one of the most important and institutionalized issues in the foreign relations of the Islamic Republic of Iran, which has allocated a significant part of the capacities of the Islamic Republic of Iran. Investigations show that the common discourse of the Islamic Republic of Iran and the Islamic Jihad movement based on the axes of "Islamism", "anti-Zionism" and "resistance" are among the main reasons for these relations and Iran's support for this movement. Ayatollah Hashemi Rafsanjani, as one of the former presidents, played a prominent role in supporting the Palestinian resistance. He had a special sensitivity towards the issue of Palestine in all eras and was always thinking of restoring the rights of this nation. This research was done to answer the question of what was the foreign policy of Hashemi Rafsanjani towards the Islamic currents of Palestine.

Keywords: Palestine, Hashemi Rafsanjani, current of resistance - ۱-۲